

بررسی تاثیر احساسات سرمایه گذار بر نرخ درآمد، بازده و قیمت سهام در بورس

اوراق بهادار تهران

فرانک لنگری

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسفراین

Franak-langari@gmail.com

دکتر میثم دعایی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسفراین

comMeysam Doaei. @gmail.com

چکیده

نقش اطلاعات در زمینه تصمیم گیری های اقتصادی بسیار حیاتی است و سرمایه گذاران بدون اطلاعات کافی، فرصت ها و خطرات سرمایه گذاری را به طور مناسب تشخیص نمی دهند. برای این که اطلاعات بتواند بر تصمیمات استفاده کنندگان صورت های مالی مؤثر واقع شود، باید در زمان مناسب در اختیار آنان قرار گرفته باشد. سهامداران و سرمایه گذاران، همواره در پی اطلاعاتی هستند که آنان را در انتخاب بهترین سرمایه گذاری و مناسب ترین پورتفوی، یاری کند. یکی از مباحث مهمی که تصمیم های سرمایه گذاران را تحت تأثیر قرار می دهد، کیفیت اطلاعات حسابداری است. احساسات سرمایه گذار آن که از باورهای ذهنی نادرست و اطلاعات نامربوط نشأت می گیرد، ممکن است موجب پیش بینی غلط و نوسانات قیمت بازار شود. احساسات سرمایه گذاران می تواند بر ارزش اطلاعات حسابداری نیز تأثیرگذار باشد. درواقع احساسات می تواند رشد پیش بینی درآمد را به همراه داشته باشد، چراکه معمولاً سرمایه گذاران با نگرشی خوش بینانه نسبت به آینده سرمایه گذاری می کنند. هدف مقاله حاضر بررسی تأثیر احساسات سرمایه گذار و اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که تعداد شرکت به روش حذف سیستماتیک در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۵ به عنوان نمونه آماری انتخاب شده اند. نتایج نشان داد، بین احساسات سرمایه گذار با رشد درآمد مورد انتظار در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین بین احساسات سرمایه گذار با نرخ بازده مورد انتظار در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباط معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی : احساسات سرمایه گذار، اطلاعات حسابداری، قیمت سهام، نرخ درآمد، نرخ بازده

مقدمه:

هدف عمده سرمایه گذاران از سرمایه گذاری در بازار سهام، کسب بازده معقول است و بازده از دو بخش تغییرات قیمت سهام و سود سهام تقسیمی به دست می آید. سرمایه گذاران و تحلیل گران مالی باید بتوانند با استفاده از مدل های سرمایه گذاری، قیمت سهام و بازده را پیش بینی کنند. تئوری مالی سنتی بیان می کند که قیمت سهام، ارزش بنیادی سهام را نشان می دهد و منعکس کننده ارزش جریان های نقدی آتی است. از دیدگاه فرضیه بازار کارا، قیمت اوراق بهادار منعکس کننده تمام اطلاعات موجود در بازار است و انتظار می رود که تأثیر هرگونه اطلاعات جدید در بازار، سریعاً در قیمت سهام شرکت ها منعکس شود. بر پایه این تئوری، سرمایه گذاران دارای رفتار عقلایی بوده، به دنبال حداکثر ساختن مطلوبیت مورد انتظار خود هستند (تلنگی، ۱۳۸۳: ۱۴). براین اساس، تغییرات قیمت سهام به تغییرات سیستماتیک در ارزش های بنیادی شرکت مربوط است و رفتار غیرعقلایی سرمایه گذار تأثیری بر بازده ندارد. اما شواهد حکایت از آن دارد که بین گرایش های احساسی سرمایه گذاران با بازده سهامی که از ارزیابی ذهنی بالاتری برخوردارند، رابطه مثبت وجود دارد (حیدرپور و همکاران، ۱۳۹۲).